

نویسندگان: کلاوس هکنیگ، کریستین کولمان، الیزا شوارتس

ما یرون اشمیت، بنه یکی از مهم‌ترین گردهمایی‌های علمی سفر کرده‌بود تا پیشرفت‌های اخیر در دانشگاه خود را ارائه دهد. این رویداد سالانه که انجمن امریکایی پیشرفت علم (AAAS) آن را برگزار می‌کند، یکی از معتبرترین کنفرانس‌های علمی جهان است که محققان هوش مصنوعی، اختراقتزیکدانان، زیست‌شناسان و دیگران در آن شرکت می‌کنند. اشمیت می‌گوید بحث، کمتر به تحقیقات و بیشتر بر فرصت‌های شغلی احتمالی در آلمان متمرکز بود و او تقریباً احساس می‌کرد در یک رویداد استخدام دانشگاهی حضور دارد. در این گردهمایی، دانشجویان جوان می‌خواستند بدانند، شرایط تحصیلات دانشگاهی در آلمان چطور است. اساتید هم علاقه‌مند بودند از روش استخدام در دانشگاهی در آلمان اطلاع پیدا کنند.

اشمیت، رئیس ار تباطات دانشگاه فنی درسدن و عضو هیئت علمی دانشگاه، به یک محقق ناسا که نگران از دست دادن شغلی بود، اطلاع داد به زودی پنج کرسی استادی جدید باید پر شوند و به این ترتیب، تماس‌های اولیه برقرار شد. آیا متخصصان ناسا به زودی به ایالت زاکسن می‌آیند؟ آیا محققان هوش مصنوعی، استفنورد را به مقصد کارلسروه ترک خواهند کرد؟ و آیا، متخصصان زیست‌پزشکی مستقر در بوستون به باواریا خواهند رفت؟ برخی به این موضوع فکر می‌کنند و برخی دیگر در حال تدوین برنامه‌های مشخص هستند. به نظر می‌رسد کنفرانس AAAS امسال به فرار احتمالی مغزها و مهاجرت نخبگان دانشگاهی از ایالات متحده اشاره دارد. بسیاری از محققان به دنبال خانه جدیدی هستند و دلیل آن چیزی نیست غیر از اینکه دولت ترامپ حمله گسترده‌ای را علیه علم در ایالات متحده آغاز کرده است. دانشجویانی که عملکرد آنها نامطلوب تشخیص داده می‌شود و گذرنامه امریکایی ندارند از کشور اخراج شوند. وزیر امور خاغت ایالات متحده، یکی از این افراد است که به سازماندهی اعتراضات دانشجویی مربوط به تحولات فلسطین در دانشگاه کلمبیا در نیویورک کمک کرد. اینکار باعث شد تا مارکو روبریو، وزیر امور خارجه ایالات متحده، موضوع به تضعیف سیاست خارجی ایالات متحده متهم کند و وکلای مدافع خلیل، با استناد به آزادی بیان، این اتهام را رد می‌کنند. یونسو چانگ اهل کره جنوبی که از هفت سالگی در ایالات متحده زندگی می‌کند و در تظاهرات شرکت می‌کرد هم یکی دیگر از این افراد است.

رویکرد

نویسنده: الدار مدوف

۳۰ می ۲۰۲۵

در تکراری خطر کان از محاسبات اشتباه گذشته، سه کشور اروپایی — فرانسه، آلمان و بریتانیا — بار دیگر در حال تشدید تنش‌ها با ایران هستند، این بار با تهدید به فعال سازی مجدد تحریم‌های شورای امنیت سازمان ملل (موسوم به «مکانیسم بازگشت خودکار تحریم‌ها» در صورت شکست مذاکرات هسته‌ای میان آمریکا و ایران.

این کشورها، چنین اقدامی را ابزاری برای تحت فشار گذاشتن ایران جهت پذیرش امتیازات در برنامه هسته‌ای‌اش می‌دانند. اما این اقدام می‌تواند دیپلماسی را کاملاً از مسیر خارج کرده و خاورمیانه را وارد بحرانی عمیق‌تر کند.

فرانسه در این ماجرا نقش پیششار ایفا می‌کند و بار دیگر نقش صدای تندرو سه کشور اروپایی را بر عهده گرفته‌است. مشابه موضع سختگیرانه‌ای که با مذاکرات برجام در سال ۲۰۱۵ اتخاذ کرده بود. در نشستیی پشت درهای بسته در شورای امنیت سازمان ملل دربارهٔ ایران، فرانسه به شورای امنیت آوریل، نائز نوبل بارو، وزیر امور خارجه فرانسه، با لحنی جنگ طلبانه اعلام کرد اگر مذاکرات میان آمریکا و ایران به نتیجه نرسد، فرانسه و شرکای اروپایی‌اش «لحظهای در بازگرددن تمام تحریم‌هایی که ۱۰ سال پیش لغو شده بودند، تردید نخواهند کرد».

هفته‌ها بعد، پس از آنکه کارگردان مخالف ایرانی، جعفر پناهی، جایزه‌ای از جشنواره فیلم کن دریافت کرد، بارو این افتخار را نمادی از «مقاومت در برابر سرکوب رژیم ایران» خواند. در حالی که تحسین موفقیت یک کارگردان ایرانی اشکالی ندارد اما نحوه بیان سیاسی و زمان‌بندی آن — از نظر دیپلماتیک ناشیانه بود و بی‌دلیل تهران را تحریک کرد.

این نوع موضع‌گیری در راستای الگوی گسترده‌تر

فرانسه و دیگر کشورهای اروپایی است که مسائل داخلی ایران را به تعهدات هسته‌ای آن در هم

می‌آمیزند، رویکردی که تنها باعث سرخ‌تر شدن موضع تهران می‌شود. حتی تعجب ندارد که

اظهارات بارو در تهران با واکنش تندی روبه‌رو شد،

سفیر فرانسه احضار شد و عباس عراقچی، وزیر امور خارجه ایران، فرانسه را به خاطر آنچه «بریکاری در زمینه حقوق بشر» خواند، مورد انتقاد قرار داد.

بدهی میلیاردی هاروارد

تحت رهبری ترامپ، واشینگتن در حال برنامه‌ریزی برای کاهش حمایت مالی از نهادهای دانشگاهی است و با ادامه این وضعیت، هاروارد، کلمبیا و کرنل صدها میلیون، شاید میلیاردها دلار، بودجه خود را از دست می‌دهند. برخی سازمان‌ها خراج شدند و به NIH دستور پول را چطور تأمین کنند، یا توقف استخدام به لغو تعهدات برای موقعیت‌های دکتر یا به تأخیر انداختن سرمایه‌گذاری‌های زیرساختی و لغو تعهدات برای موقعیت‌های دیگر. دولت تحولات جاری واکنش نشان داده‌اند. کسری سهم دانشگاه هاروارد، چندین میلیارد دلار از بودجه فدرال خواهد بود که اعتبار علمی این دانشگاه را در معرض خطر قرار می‌دهد. دولت ترامپ، اخیراً از هاروارد خواسته تا فرایند پذیرش خود را تغییر دهد و تمام داده‌های مربوط به پذیرش، را با مقامات به اشتراک بگذارد. علاوه بر این، واشینگتن خواستار محدود شدن حقوق دانشجویان و معرفی دانشجویان خارجی خاطی به مقامات شده است. آلن گاربر، رئیس دانشگاه هاروارد، نه تنها این شرایط را نپذیرفت بلکه از دولت شکایت کرد. با این همه، ترامپ اقدامات خود را تشدید کرد و حالا کاخ سفید این موضوع را در دست برسی دارد و اگر وضعیت معافیت از مالیات دانشگاه لغو شود، هاروارد میلیارد دلار به‌هکاز می‌شود.

■ قطع شدن نام مالی بخش بهداشت و درمان علاوه بر هاروارد، ترامپ قصد دارد مهم‌ترین منبع تحقیقات پزشکی را تعطیل کند.

مؤسسات ملی بهداشت NIH، بودجه‌ای تقریباً ۴۸ میلیارد دلاری دارند و حدود ۸۰ درصد از این مبلغ را به صورت کمک‌های مالی به دانشگاه‌ها و مؤسسات تحقیقاتی ایالات متحده ارسال می‌کنند. با این حال، در اوایل ماه آوریل ۲۰۲۵، هزار و ۳۰۰ کارمند این سازمان اخراج شدند و به NIH دستور داده شد، اسامی ۶۱۲/۳ میلیارد دلار از هزینه‌های خود را کاهش دهد. در مجموع، قرار است ۳۵ درصد از بودجه NIH کاهش یابد. سایر سازمان‌های تحت نظارت وزارت بهداشت، از جمله مراکز کنترل بیماری‌ها و سازمان غذا و دارو، سرنوشت مشابهی را تجربه کرده‌اند. دامنه پیامدهای این اقدامات گسترده خواهد بود و بر همه بخش‌های کشور تأثیر می‌گذارد. تحقیقات نه تنها به درمان و تولید داروهای پزشکی بهتر کمک می‌کند، بلکه به عنوان محرک اقتصاد عمل می‌کند. طبق گزارش اتحادیه تحقیقات پزشکی، هر دلار از بودجه NIH سودی معادل ۵۵۶/۲ ایجاد می‌کند. این بازدهی، به میزانی است که سرمایه‌گذاران بازار سهام فقط می‌توانند رؤیای آن را داشته باشند. بودجه دولتی همچنین بیش از ۴۰۸ هزار شغل در سراسر کشور را تضمین می‌کند که این نیز نکته قابل تأملی است.

پس از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده بیش از هر کشور صنعتی غربی دیگری در تحقیق و توسعه دانشگاهی سرمایه‌گذاری کرد. این راهبرد، منجر به دریافت ۴۰۰ جایزه نوبل برای

امریکای ترامپ روی ریل فرار مغزها



این کشور شده که بسیار بیشتر از هر کشور دیگری است. طبق گزارش مرکز ملی آمار علوم و مهندسی، ایالات متحده در سال ۲۰۱۹، ۲۷ درصد از فعالیت‌های تحقیق و توسعه جهانی بود و پس از آن چین با ۲۲ درصد قرار داشت. ژاپن (۷ درصد) و آلمان (۶ درصد) این سازمان اخراج شدند و به NIH دستور داده شد، اسامی ۶۱۲/۳ میلیارد دلار از هزینه‌های خود را کاهش دهد. در مجموع، قرار است ۳۵ درصد از بودجه NIH کاهش یابد. سایر سازمان‌های تحت نظارت وزارت بهداشت، از جمله مراکز کنترل بیماری‌ها و سازمان غذا و دارو، سرنوشت مشابهی را تجربه کرده‌اند. دامنه پیامدهای این اقدامات گسترده خواهد بود و بر همه بخش‌های کشور تأثیر می‌گذارد. تحقیقات نه تنها به درمان و تولید داروهای پزشکی بهتر کمک می‌کند، بلکه به عنوان محرک اقتصاد عمل می‌کند. طبق گزارش اتحادیه تحقیقات پزشکی، هر دلار از بودجه NIH سودی معادل ۵۵۶/۲ ایجاد می‌کند. این بازدهی، به میزانی است که سرمایه‌گذاران بازار سهام فقط می‌توانند رؤیای آن را داشته باشند. بودجه دولتی همچنین بیش از ۴۰۸ هزار شغل در سراسر کشور را تضمین می‌کند که این نیز نکته قابل تأملی است.

پس از جنگ جهانی دوم، ایالات متحده بیش از هر کشور صنعتی غربی دیگری در تحقیق

و توسعه دانشگاهی سرمایه‌گذاری کرد. این راهبرد، منجر به دریافت ۴۰۰ جایزه نوبل برای

اروپا عامدانه مذاکرات هسته‌ای با ایران را نقب می‌زند

غروب آفتاب (sunset clauses)، سرنوشت ذخایر اورانیوم غنی‌شده و ترتیبات راستی‌آزمایی، در «فرم گفت‌وگوی تهران» که هفته گذشته در آن شرکت داشتیم، ایده‌های مختلفی در این زمینه مطرح شد. یکی از پیشنهادات غیررسمی — نه از سوی منابع رسمی — تعلیق موقت غنی‌سازی به عنوان اقدام اعتمادساز بود، به گونه‌ای که ذخایر به روسیه منتقل شود و در صورت از سرگیری غنی‌سازی، دوباره به ایران بازگردد. ایده تشکیل یک کنسرسیون منطقه‌ای برای غنی‌سازی — مشروط بر تضمین حقوق ایران — نیز در حال گسترش است.

برخی مقامات ایرانی نیز در محافل خصوصی از امکان توقف موقت برخی سانتریفیوژهای پیشرفته سخن گفتند. در حالی که تهران به‌طور اصولی مخالف محدودیت‌های دائمی در برخی جنبه‌های برنامه هسته‌ای‌اش است اما مذاکره برای تمدید مفاد غروب آفتاب برای پنج یا ۱۰ سال دیگر، غیرممکن به نظر نمی‌رسد. این می‌تواند به ترامپ اجازه دهد، توافق «بهتر» از توافق اولیما معرفی کند.

در خصوص راستی‌آزمایی، ایران اخیراً — در

تغییری مهم — سیگنال‌هایی داده که حاضر

است بازسازان امریکایی را در قالب آژانس بین‌المللی انرژی اتمی به تأسیسات هسته‌ای خود راه دهد.

این تحولات نشان می‌دهد همچنان فضایی

برای دیپلماسی وجود دارد. اصرار تندروها و E۳

بر ضرب‌الاجل‌های مصنوعی توجه‌پذیر نیست

— مسائل پیچیده میان دو دشمن دیرینه را

نمی‌توان در چند نشست در مسقط و رم حل

کرد اما اعتمادسازی نیازمند زمان است.

اما به نظر می‌رسد آنچه بیش از همه برای E۳

اهمیت دارد، نه حل بحران هسته‌ای، بلکه

استفاده از اهرم فشار برای اهداف دیگر است.

گویی شعار جدید در پاریس، لندن و برلین این

است: «با استفاده‌اش کن یا از دستش بده».

آنچه مسیر کنونی اروپا را توضیح می‌دهد،

تمایل آشکار E۳ برای مجازات ایران بابت

مسائلی است که به پرونده هسته‌ای ارتباطی

ندارد، مانند روابط نظامی‌اش با روسیه یا وضعیت

حقوق بشر داخلی.

این موضوع فضای زیادی برای مذاکره باقی

می‌گذارد: از جمله تعیین سقف غنی‌سازی، مفاد

دولت دونالد ترامپ، زندگی را برای دانشمندان و پژوهشگران دشوار کرده و این تهدید را تقویت کرده که روند فعالیت‌های تحقیق و توسعه جهانی که امریکا پیشتاز آن بود، معکوس شده و تعداد فراینده‌ای از دانشمندانی که فکر می‌کردند دوران حرفه‌ای خود را در امریکا سپری خواهند کرد، اکنون در جست‌وجوی یک خانه دانشگاهی جدید هستند

■ کالین ایوانز، ۳۴ساله: «تعداد بیشتری اخراج می‌شوند.»

ایوانز دانشمند علوم اقلیمی در دانشگاه کرنل در ایالتای نیویورک است. او می‌گوید: «من یک آگهی را در زمان مناسب دیدم، حدود یک هفته پس از پیروزی ترامپ و واقعاً هیجان‌زده شدم. این موقعیتی بود که در آن به مطالعه شرایط آب‌وهوایی نامساعد در ایرلند می‌پرداختم و بلافاصله درخواست دادم.» ایوانز توضیح داد: «مؤسسه ما تاکنون عمدتاً با کمک‌های مالی اداره ملی اقیانوسی و جوی ملی علوم تأمین مالی شده است. این مؤسسات در حال فروپاشی هستند زیرا بسیاری از دانشمندان آب و هوا قبلاً اخراج شده‌اند و انتظار می‌رود تعداد بیشتری نیز اخراج شوند. آنها در حال بررسی کمک‌های مالی با اصطلاحات کلیدی مانند «آب‌وهوا» و «گازهای گلخانه‌ای» هستند و احتمالاً لغو خواهند شد.»

■ بنجامین سانتر، ۶۹ساله: «می‌خواهم بدون ترس از انتقام به تحقیقاتم ادامه دهم.»

سانتر که دانشمند اقلیم‌شناسی در آزمایشگاه ملی لارنس لیورمور در کالیفرنیاست، می‌گوید: «من به زودی ۷۰ ساله خواهم شد و قرار است زندگی جدیدی را شروع کنم و به قاره‌ای متفاوت نقل مکان کنم. می‌خواهم به تحقیقاتم ادامه دهم. می‌خواهم بدون ترس از انتقام، یافته‌هایم را با مردم به اشتراک بگذارم. این اقلیم‌شناس گفت: «طی دوره اول ریاست جمهوری ترامپ، رئیس‌جمهور و تیشاد اعلاهای دروغین زیادی را منتشر کردند و گفتند، علل تغییرات اقلیمی ناشناخته است یا اینکه از سال ۱۹۹۸ هیچ گرمایش قابل توجهی رخ نداده است.» او افزود: «ما با جزئیات، در مطالعات علمی، نشان دادیم این ادعاها نادرست هستند. در پاسخ، دولت اول ترامپ دو شکایت در مورد رفتار من مطرح کرد و بودجه تیم تحقیقاتی انتساب ما در لیورمور قطع شد.»

منبع: انشپیکل

این زاویه به ایران نگاهی منفی دارد. همچنین فعالیت‌های ادعایی اطلاعاتی ایران در خاک اروپا و بازداشت شهرنودن اروپایی در ایران با اتهاماتی مشکوک — که اتحادیه اروپا آن را گروگان‌گیری می‌داند — این نگاه منفی را تشدید کرده‌اند. اما هر چقدر این نگرانی‌ها مهم و مشروع باشند، در آمیختن آنها با دیپلماسی هسته‌ای نسخه‌ای برای شکست است. به بگرام، هرگز قرار نبود همه مشکلات با ایران را حل کند. این توافقی محدود در زمینه عدم اشاعه بود.

گروگان گرفتن توافق هسته‌ای برای تحقق خواسته‌های فراتر از آن، قطعاً به نایب‌دی منجر خواهد شد — و همراه با آن، امیدی برای مهار برنامه هسته‌ای ایران یا دیگر سیاست‌هایی که اروپا با آن مخالف است (مانند روابط نظامی با روسیه) را نخواهد رفت.

تهران هشدار داده اگر E۳ مکانیسم بازگشت‌پذیر را فعال کند، «عواقب شدیدی» در پی خواهد داشت. یکی از پیامدهای اصلی می‌تواند خروج ایران از پیمان منع گسترش سلاح‌های هسته‌ای (NPT) باشد، سناریویی که نظارت بین‌المللی بر برنامه هسته‌ای ایران را به کلی از بین می‌برد.

دولت میانسهر کنونی ایران نیز در این صورت تضعیف خواهد شد — دولتی که همین حالا هم از سوی تندروها به دلیل دادن امتیازات زودهنگام، مانند آمادگی برای بازگشت موقت به سطح غنی‌سازی برجام، مورد انتقاد است. در تکراری آشنای فروپاشی برجام در پایان دولت عملگرای روحانی، احتمال دارد تندروها دوباره قدرت را در دست بگیرند — و این دقیقاً باعث تکرار همان سیاست‌های ایران می‌شود که اروپا با آن مخالف است. افزایش غنی‌سازی، نزدیکی بیشتر با روسیه و تشدید فضای سرکوب داخلی.

به همین دلیل، تهدید بازگشت‌پذیر نه تنها

غیرعقلانی است، بلکه به ضرر خود اروپا تمام

می‌شود. اروپا که هم‌اکنون با جنگ اوکراین

درگیر است، نتوان تحمل یک بحران قابل

اجتناب دیگر را ندارد. اگر E۳ نمی‌تواند در

مذاکرات امریکا-ایران کمکی کند، دست‌کم

نباید عمداً آن را تضعیف کند.

منبع: بیسپانسیبل استیتیکت، ۳۰ می ۲۰۲۵ (ترجمه: دستیار AI)

سجاد مرادی کلارده

جنگ روسیه و اوکراین دارای ابعاد بین‌المللی مختلفی است که نقش و رویکرد ایالات متحده به آن اهمیت تعیین کننده دارد. در حالی بیش از سه سال از این جنگ می‌گذرد که در ابتدا، راهبرد جو بایدن برای تضعیف روسیه از طریق ارسال سلاح به اوکراین، عملاً این جنگ را تبدیل به جنگی نیابتی کرد. بودجه‌های هنگفت دولت بایدن، چندین برابر بودجه امریکا برای مقابله با تغییرات اقلیمی بود. با احتساب اینکه بسیاری از منابع مالی و نظامی به صورت محرمانه به اوکراین ارسال شده است، برآورد می‌شود که تاکنون بیش از ۲۰۰ میلیارد دلار در چارچوب بودجه اضطراری کنگره برای حمایت از اوکراین و طرف‌های درگیر در این جنگ اختصاص یافته است.

از زمان ورود مجدد ترامپ به کاخ سفید، امریکا در صداست با تأثیرگذاری بر طرفین جنگ، نوعی صلح دستوری حاکم کند. پایان دادن به جنگ روسیه و اوکراین یکی از وعده‌های انتخاباتی ترامپ بود و او وعده کرده بود می‌تواند در عرض ۲۴ ساعت به این جنگ پایان دهد ولی حالا با گذشت سه ماه از روی کار آمدن او، امریکا عملاً اقدام مؤثری برای توقف واقعی جنگ انجام نداده است. دولت جدید امریکا ابتدا در فوریه ۲۰۲۵ طرح صلحی را برای این جنگ ارائه نمود که بخش‌های مختلفی همچون آتش‌بس، توافق‌های سرزمینی، وضعیت آینده اوکراین به ویژه حفظ بی‌طرفی این کشور، تضمین‌های امنیتی، تحریم‌های روسیه در این جنگ و بازسازی اوکراین را شامل می‌شد.



از توانایی برای پایان جنگ به تدریج در حال آشکار شدن است. او اخیراً در پیامی در تروث سوشال نوشت که نمی‌داند چه اتفاقی برای پوتین افتاده و او کاملاً دیوانه شده است. مؤسسه خاورمیانه در گزارش نوشته، وقتی همه راه‌ها شکست می‌خورد، ترامپ به استفاده از «قدرت ترول» علیه روسیه با استفاده از اظهارات تحریک‌آمیز در رسانه‌ها و پست‌های آنلاین روی می‌آورد. قدرت ترول نوعی قدرت نرم منفی از تمسخرهای کلایی و جنگ اوکراین در فضای رسانه در تعامل بین کشورها و رهبران جهان است و ترامپ در این کار استاد است. اما مشکل اصلی این اقدام ترامپ این است که اگرچه برای انحراف ذهن عمومی و جلب توجه به رسانه‌ها استفاده می‌شود اما اغلب در ایجاد دستاوردهای ملموس در دنیای واقعی به ویژه حل مسائل اساسی جنگ‌ها یا اختلافاتی که همچنان حل نشده باقی مانده‌اند، کمکی نمی‌کند.

تقاطع منافع اروپا و امریکا

موضع منفی اروپا در مورد نقش و عملکرد امریکا در پایان دادن به جنگ نیز دارای اهمیت است. آندری گورتونوف در مقاله‌ای در اندیشکده شورای روسیه در مورد امنیت اروپا در توافق صلح احتمالی اوکراین – روسیه نوشت: «مقامات روس بارها گفته‌اند، جنگ اوکراین در حقیقت ایستادگی میان روسیه و مجموعه غرب است. ترامپ هیچ‌گاه با چندجانبه‌گرایی از جمله رژیم‌های کنترل تسلیحات حمایت نکرده است. اگر خروج امریکا از معاهده موشک‌های میان برد در ذخیره‌سازی نفت روسیه را با حملات پهنابادی هدف قرار می‌دهد. تخمین زده می‌شود، اوکراین از ابتدای سال ۲۰۲۵، ۱۰ درصد از ظرفیت پالایشگاهی روسیه را نابود کرده است. روسیه نیز با محدود کردن دامنه آتش‌بس، نتوانسته است در عین محافظت از تولید انرژی روسیه، حمله به اوکراین را ادامه دهد. مسکو معتقد است، کیف باید از ادعاهای خود بر بخشی از قلمرو اوکراین که روسیه آن را اشغال کرده دست بردارد. روسیه به این ترتیب، به نظر می‌رسد اختلافات در جنگ اوکراین درباره مسائلی مانند سرزمین است که به سختی می‌توان آنها را حل و فصل کرد.

دوگانگی ترامپ

ترامپ از زمان بازگشت به قدرت و تصمیم به پایان جنگ رفتار دوگانه‌ای با طرفین